

گفتمان حکمت مدنی متعالی؛ چرایی، چیستی و چگونگی؟

علیرضا صدرا^۱

چکیده

مسأله: «حکمت مدنی» است. یا «حکمت اجتماعی و سیاسی» می‌باشد. پرسش اصلی: «حکمت مدنی چه می‌باشد؟ پرسشهای فرعی: چرا؟ چیست؟ چگونه؟ چهارچوب نظری: هم فلسفه و حکمت، هم سیاسی یا مدنی و به‌ویژه آمیزه اینها یعنی فلسفه سیاسی یا حکمت مدنی، همواره و همچنان پرسش انگیز بوده و چالش خیز می‌باشند. پدیده مدنی یعنی اجتماعی و سیاسی و سیاست: فراهم آمده مراتب سه‌گانه هستی، چیستی و چگونگی است. پیش فرض: علم مدنی یعنی پدیده‌شناسی اجتماعی و سیاسی به تناظر پدیده مدنی فراگیر مراتب سه‌گانه: هستی‌شناسی، چیستی‌شناسی و چگونگی‌شناسی است. فرضیه: «حکمت مدنی: هستی‌شناسی و چیستی‌شناسی اجتماعی و سیاسی است». توضیح فرضیه: منظور شناخت هستی حقیقی و چیستی یقینی چگونگی واقعی سیاسی می‌باشد. حکمت مدنی: مراتب دو گانه پدیده و پدیده‌شناسی اجتماعی و سیاسی است. به تعبیری شناخت حقیقت و ماهیت واقعیت سیاست است. مراد تبیین حکمت سیاسی بمنظور ترسیم سیاست حکمت می‌باشد. روش شناسی: تحلیل متن و محتوایی پدیده و پدیده‌شناسی فلسفه سیاسی و آثار و آراء صاحب نظران برجسته سیاسی در این زمینه است. نتیجه: گفتمان و الگوی حکمت مدنی متعالی می‌باشد.

واژگان کلیدی: گفتمان، حکمت، فلسفه، مدنی؛ اجتماعی، سیاسی، سیاست، متعالی.

نظریه خلود در عذاب، با تکیه بر دیدگاه ملاصدرا و حکیم سبزواری

رضا حصاری^۱، یحیی کبیر^۲، سید محمد موسوی^۳

چکیده

تبیین عقلانی «انقطاع عذاب» توسط صدرالمآلهین، با انتقاداتی از سوی سبزواری مواجه شد. عدم پذیرش قاعده «القسر لایدوم» و عدم زوال فطرت الهی، حتی نسبت به کسانی که عذاب الهی براساس مقتضای طبع و ذاتشان است، دو انتقاد مهمی است که حکیم سبزواری نسبت به دیدگاه ملاصدرا دارند. در دیدگاه حکیم سبزواری ملکات رذیله در اثر تکرار، در نفوس افراد شقی رسوخ نموده است؛ به گونه‌ای که جزء ذاتیات آنها شده و امکان انفکاک آن وجود ندارد. لذا برای تمسک به انقطاع عذاب، جایی برای استفاده از قاعده «القسر لایدوم» نمی‌ماند. افزون بر این، استدلال به اینکه عذاب برخی براساس طبیعت و مقتضای ذاتشان است نادرست می‌باشد؛ زیرا فطرت الهی امری باقی است. لکن براساس دیدگاه ملاصدرا، هیچ‌یک از این دو انتقاد مورد قبول نمی‌باشد؛ زیرا وی تنها در یک مورد و نسبت به یک گروه خاصی از اهل عذاب از این قاعده استفاده می‌کند که خود این دیدگاه مورد پذیرش سبزواری است. بنابراین ملاصدرا هیچ‌گاه قائل به زوال فطرت الهی نسبت به هیچ‌یک از افراد موجود در آتش جهنم نمی‌باشد که در این نوشتار با روش تحلیلی-تطبیقی به تفصیل از آن بحث می‌شود.

واژگان کلیدی: فطرت الهی، القسر لایدوم، ملاصدرا، ملکات رذیله.

۱. دانشجوی دکتری فلسفه دانشگاه باقر العلوم yazahra2233@gmail.com

۲. دانشیار و عضو هیئت علمی پردیس فارابی دانشگاه تهران kabir@ut.ac.ir

۳. دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم اسلامی رضوی moosavi@razavi.ac.ir

۱. دانشجوی دکتری فلسفه دانشگاه باقر العلوم yazahra2233@gmail.com

۲. دانشیار و عضو هیئت علمی پردیس فارابی دانشگاه تهران kabir@ut.ac.ir

۳. دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم اسلامی رضوی moosavi@razavi.ac.ir

سازوکار تأثیرگذاری رویکرد حکمای مشائی بر آراء شیخ اشراق در تکون معقول ثانی فلسفی

مسعود اسماعیلی^۱

سیدعماد مصطفوی^۲

چکیده

در باب مفاهیم، شیخ اشراق کاملاً متأثر از فضای حاکم بر تفکر مشائی است. این تأثیرپذیری چه در ناحیه اصل مفاهیم کلی و چه در ناحیه تقسیماتی که مفاهیم کلی به عنوان مقسم می پذیرند، کاملاً روشن است. سهروردی حتی در معیار و میزان تمایز مفاهیم از یکدیگر، به ویژه در گنجانیدن معقولات فلسفی ذیل معقولات ثانی که باید نخستین گام در تکون معقول ثانی فلسفی برشمرده شود، از بهمنیار تأثیرات گسترده و کاملاً مشهودی پذیرفته است. نوشتار در پیش رو با توجه به اهمیت کاوش هر چه عمیق تر این سازوکار که موفقیتی کم نظیر در شکوفایی و انضباط بخشی مباحث فلسفی، خصوصاً با توجه به بستری که حکمای پیشین در این مبحث از خود بجای گذاشته بودند، با روشی تحلیلی - فلسفی به بررسی آراء و دیدگاه‌های حکمای مشائی و اشراقی (از کندی، فارابی، ابن سینا و بهمنیار تا سهروردی) پرداخته و بر آن است تا چگونگی این اثرپذیری را تبیین نماید.

واژگان کلیدی: معقول ثانی، معقول ثانی فلسفی، تأثیرپذیری، شیخ اشراق، حکمت مشاء.

masud.esmaeily@gmail.com

۱. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی

mostafaviemad@gmail.com

۲. کارشناس ارشد فلسفه اسلامی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

تبیین موطن و جایگاه معاد جسمانی در اندیشه صدر

رسول اسکندری^۱

چکیده

از طرف فلاسفه و متکلمان برای جایگاه آلام و لذات، تقدیری مثل حور، زقوم و ... در جهان پس از مرگ، آرای مختلفی بیان شده است. برخی آن را در عالم دنیا و برخی نیز آن را در عالم خیال متصل می‌دانند. ولی صدرا هیچ‌یک از آنها را موطن معاد جسمانی نمی‌داند؛ چراکه از سویی با مؤلفه‌هایی در متون دینی - که او را از این نظرات بازمی‌دارد - روبه‌روست و از طرفی هم او تنها به معاد روحانی قائل نمی‌باشد. در اینکه صدرا موطن معاد جسمانی را در برزخ می‌داند، اختلافی وجود ندارد. ولی اینکه او آن موطن را در قیامت چه می‌داند، چندان واضح نیست. باوجود این، می‌توان این دو نظریه را از کلام او استحصال کرد؛ یکی «معاد صوری در مرحله مثالی» که خود دو قسم است و دیگری «معاد صوری در مرحله عقلی» که حور و نار ... در عالم عقل به شکل اندماجی وجود دارد، ولی در آن تفصیل با قدرت و شدت بیشتر دیده می‌شود. بنابراین از نگاه صدرا موطن معاد جسمانی در قیامت، یا عالم مثال است و یا عالم عقل؛ هرچند می‌توان موطن آن را در قیامت و برزخ، عالم مثال دانست، اما نه با ادبیات صدرا. این مقاله با روش توصیفی و تحلیل مقایسه‌ای، در صدد بیانی روشن از موطن معاد جسمانی در متن دینی می‌باشد.

واژگان کلیدی: معاد جسمانی، موطن معاد جسمانی، عالم مثال منفصل، عالم عقل، عالم دنیا، قیامت، برزخ.

۱. کارشناسی ارشد فلسفه اسلامی مرکز تخصصی فلسفه اسلامی حوزه علمیه قم eskandari2107@gmail.com

تأملی بر «حکمت عرشی» در متون روایی

هادی فنائی نعمت سرا^۱

چکیده

پژوهش پیش‌رو در پی تبیین این مسأله است که «آیا گشودگی حکمت عرشی و معارف قدسی، اختصاص به ره‌آوردهای وحیانی با طریقت پیامبری دارد یا حقیقتی پایدار برای زمان‌های مختلف است»؟

رویکرد هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی احادیث در این خصوص، به مقتضای فیاض بودن خداوند، بر چنین گشودگی و ارتباطی به‌سان حقیقتی مستمر و جاودانه تأکید دارد. از این‌رو، جریان حکمت عرشی امری مستمر بوده و تنها شرط آن قابلیت است که حاصل مجاهدت در طریقت بندگی خالصانه خداوند است. براساس مبانی شیعیان مسلمان، همان‌گونه که آفرینش و رزاقیت الهی انقطاع‌ناپذیر است، ارتباط اولیاء الهی با خداوند و به‌تبع آن، نزول حکمت عرشی بر جانشان نیز امری پایدار می‌باشد. ضرورت بررسی این مسأله از آن‌روست که بازخوانی و ژرف‌نگری در متون روایی از این منظر، افق‌های تازه‌ای را می‌گشاید و منظومه معرفت دینی را غنای بیشتری می‌بخشد و تحلیل دیگری از خاتمیت پیامبری و نیز پایداری ارتباط با خداوند و اخذ نظام معرفتی ویژه را ارائه می‌دهد. اولیاء الهی با تهذیب نفس در پرتو هدایت الهی و با بسط جانشان، به مقام قرب حق رسیده و این توفیق را دارند که مستقیم و یا از طریق ملک قدسی به مخزن علم الهی راه یابند. ره‌آورد این اتصال، حکمت عرشی است. چنین حکمتی نه‌تنها خارج از چارچوب قرآن و احادیث نیست، بلکه تفسیر شریعت نیز محسوب می‌گردد.

واژگان کلیدی: حکمت عرشی، معارف وحیانی، پارسایی، اتصال و اولیاء الهی.

چیستی حکمت عملی و جایگاه آن در طبقه‌بندی علوم با تکیه بر آراء فارابی

جواد دلپذیر^۱

چکیده

حکمت عملی به‌عنوان یکی از اقسام فلسفه مطلق، کارکردهای مهمی در کنش‌ها و حیات صحیح فردی و اجتماعی انسان و پایه‌ریزی نظام حکومتی و تمدن اسلامی دارد. از این‌رو شناخت کامل نسبت به چیستی و ویژگی‌های حکمت عملی اهمیت به‌سزایی دارد. یکی از راه‌های شناخت علوم و ویژگی‌های آنها، توجه به نظام طبقه‌بندی علوم و ملاک‌های آن است. فارابی از جمله فیلسوفانی است که بسیار گسترده به حکمت عملی پرداخته است. از نگاه فارابی، توجه به جایگاه حکمت عملی در طبقه‌بندی علوم و در نظر گرفتن ویژگی‌های کلی فلسفه به‌مثابه جنس حکمت عملی به همراه ویژگی‌های اختصاصی حکمت عملی، می‌تواند در ارائه تعریفی جامع و مانع از آن راهگشا باشد. بر این اساس حکمت عملی علمی نظری - به معنای قیاسی - و برهانی است که در مورد امور وابسته به اراده انسان از آن جهت که انسان را به سعادت یا شقاوت می‌رساند بحث می‌کند.

واژگان کلیدی: فارابی، طبقه‌بندی علوم، حکمت، حکمت عملی، چیستی حکمت عملی.

وجود رابط معقولات ثانی فلسفی از منظر علامه طباطبایی و علامه مصباح

یوسف معزز^۱، محمد رضا پور^۲

چکیده

مفاهیم فلسفی نقش مهمی در اندیشه انسان و کشف حقایق هستی بر عهده دارند. از این جهت، ارتباط مفاهیم فلسفی با خارج برای کشف حقایق هستی، از جمله مسائلی است که مورد توجه حکماء بوده است. برخی از حکما به ذهنی و اعتباری بودن آن‌ها حکم کرده‌اند و هیچ نحو خارجی‌ای بر آنها قائل نیستند. برخی از حکما نیز خارجیت آنها را پذیرفته و اصطلاح «عروض ذهنی» و «اتصاف خارجی» را برای بیان چگونگی وجود مفاهیم فلسفی ارائه داده‌اند تا از قاعده تکرر در وجودات - که باعث اعتباری خواندن این مفاهیم و در نتیجه ذهنی محض دانستن آن‌ها شده است - در امان باشند. تفسیرهای مختلفی از این اصطلاح ارائه شده است؛ [مثلاً] عده‌ای از حکماء، با عنوان «وجود رابط»، اتصاف مفاهیم فلسفی در خارج را تبیین و تفسیر کرده‌اند. اما گویا تفسیر به «وجود رابط» مکفی به پاسخ نبوده و دارای ابهام زیادی است. از این جهت علامه طباطبایی در نظر نهایی خود، تفسیر دقیقی از «وجود رابط» ارائه داده و تحقق این قبیل مفاهیم را به وجود منشأ انتزاع دانسته است که وجودی جدا و مستقل از موضوع خود نداشته و به یک وجود موجودند. در مقابل، علامه مصباح اگرچه تحقق مفاهیم فلسفی را به وجود موضوع خود و به یک وجود می‌داند، ولی عنوان «وجود رابط» را به کار نمی‌برند. ما در این تحقیق با روش توصیف و تحلیل، در پی تبیین این مسأله از نگاه این دو فیلسوف شهیر اسلامی هستیم.

واژگان کلیدی: ذهن، انتزاع، معقول ثانی فلسفی، عروض، اتصاف، وجود رابط، علامه طباطبایی، علامه مصباح.

y.moazzaz63.m@gmail.com

۱. دانشجوی دکتری فلسفه مرکز تخصصی فلسفه اسلامی حوزه علمیه قم

rezapoor110@yahoo.com

۲. استادیار و عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه

تحلیل تمایز عرفان عملی از اخلاق مشایبی از منظر غایت‌گرایی

عظیم حمزئیان^۱، رضا عباسی^۲

چکیده

توجه به علوم از منظر وجوه اشتراک و افتراق آنها، معرفتی درجه دوم محسوب می‌شود که موجب تعمیق دانش علمی و گسترش و غنای علوم می‌گردد. از جمله این‌ها، تمایز علم عرفان عملی و علم اخلاق مشایبی اسلامی است. مقاله حاضر به شیوه توصیفی - تحلیلی و با نگاه مقایسه‌ای میان عرفان عملی و اخلاق مشایبی اسلامی نگاشته شده است. نتایج به‌دست آمده از تحلیل و مقایسه این دو، بیانگر آن است که غایت عرفان عملی، موحدپروری، لقاءالله، کشف و شهود و فنای فی‌الله است و توجه به خود و اینیت و آنانیت نفسانی، نقضی در سلوک محسوب می‌شود. اما در اخلاق مشایبی اسلامی، توجه به خود در دو سطح دنیوی و اخروی، اصلی اساسی است و نهایت سلوک اخلاقی، رسیدن به سعادت اخروی و روحانی است. سایر تمایزات نیز در انتهای مقاله آمده است.

واژگان کلیدی: عرفان عملی، اخلاق مشایبی، غایت اخلاق و عرفان عملی.

ahamzeian@semnan.ac.ir

۱. دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه سمنان

reza.abasi@semnan.ac.ir

۲. دانشجو دکتری تصوف و عرفان اسلامی دانشگاه سمنان

نحوه استناد: حمزئیان، عظیم؛ عباسی، رضا (۱۳۹۹).

«تحلیل تمایز عرفان عملی از اخلاق مشایبی از منظر غایت‌گرایی»، حکمت اسلامی، ۷ (۲)، ص ۱۶۳-۱۸۸.